

افراد وجود دارد و عمده اینست که برای فرد وسائل و امکانات و تجربه‌هایی بدست آید که این معلومات نهفته شکوفا شده، آشکار گردد والا درضمیر او همه این معلومات بارث رسیده وجود دارد. براساس این نظریه دانشمندان می‌آمدند و تجربه‌هایی ایجاد میکردند تا معلومات

موضوعی که در اینجا مطرح خواهیم کرد موضوع آزادی در تعلیم و تربیت است و همچنین نکاتی است که از نظر علمی در رابطه با آزادی در تعلیم و تربیت وجود دارد.

## آزادی در تعلیم و تربیت

فوق در ذهن کودک آشکار شده خود را نشان دهند. این در واقع یک نظریه غیر طبیعی بود و نمی‌توانست به عنوان یک تئوری علمی مورد قبول واقع شود چون هیچ راه آزمایشی در مورد آن وجود نداشت. هرچه را می‌گفتند می‌گفت در ذهن او هست و اگر کودک مساله‌ای را یاد نمی‌گرفت گفته می‌شد که سابقه آن در ذهن کودک نبوده‌است. ما در تاریخ تعلیم و تربیت

اصولاً در مورد یادگیری و پرورش ذهن تئوریهای مختلفی در تعلیم و تربیت وجود دارد. و نظامهای مختلفی که براساس این تئوریها ساخته شده‌است. در گذشته‌ها بعضی از دانشمندان معتقد بودند که باید معلومات و مسائل را در ذهن افراد بگنجانیم. یعنی یک معلومات و مسائلی هست که من اسناد میدانم و اینها را باید در ذهن کودک و افرادی که با آنها سروکار دارم بکارم یعنی ذهن کودک یک زمینه خالی است و این معلومات را باید دانه‌دانه در این زمینه بکر و خالی نشانند. براساس این نظریه نظامهایی آموزشی وجود داشت که از آنها می‌بایست انبوهی از مسائل و معلومات را به ذهن کودکان فرو بریزند و به اصطلاح چیزهایی را باو یاد بدهند. در برابر دانشمندان دیگری بودند که اینها تصورشان این بود که همه چیز در ذهن افراد هست تا آن حد که روانشناسانی از قبیل یونگ می‌گفتند تمام معلومات بشری بطور ارثی به انسانها منتقل میشود و تمام معلوماتی که اجداد یک فرد داشته اند بطور ارثی در ذهن



اساس توانائی ها و استعدادهایی که در وجودش هست و بر اساس ذوق و سلیقه و عشق و علاقه‌ی وجودش بتواند آنچه موجب رشدش میشود انتخاب کند و دنبال آن برود. در اینجا مبانی و اصولی برای آزادی در تربیت و تعلیم وجود دارد که باید توضیح دهیم. یکی مساله‌ی تفاوت‌های فردی است که در نظام‌های گذشته‌ی آموزش و پرورش هیچگاه به تفاوت‌های فردی معتقد نبودند.

البته وقتی من میگویم نظام‌های گذشته آموزش و پرورش، ناظر به نظام فعلی آموزش و پرورش اسلامی در حوزه‌های علمیه نیستم و آنرا مثنی می‌نمایم. ولی در جامعه‌ی خودمان "روشهای مکتبی" که وجود داشت با فشار میخواستند مسائلی را به بچه‌ها تحمیل کنند. یا اصولاً در اروپا نیز قبل از این سروصداها و نهضت‌های ضد مدرسه‌یی که بوجود آمده است و در راه آزاد تعلیم و تربیت تلاش می‌شود. آنها هم این شیوه‌ها را داشتند که بزور میخواستند مسائل را در ذهن کودکان جایگزین نمایند. در چنین نظام‌هایی تفاوت‌های فردی هیچوقت ملاحظه نمی‌شود. یعنی همه انسانها را موجوداتی یکسان می‌دانستند و همگون با این اعتقاد که میتوان بر اساس یک روال خاص به همه آنها آموزش داد. در حالیکه کم کم متوجه شدند که انسانها با هم متفاوت هستند و هر انسانی برای خودش یک انسان است. یک‌دنیای منحصر بفرده است. هر انسانی یک سابقه‌ی تاریخی و شخصیتی ویژه دارد. و اگر شما می‌خواهید به او چیزی یاد دهید، اگر بدون در نظر گرفتن سابقه شخصیتی و تاریخی و خانوادگی

و روانشناسی پرورشی به این مکتبها برمی‌خوریم و اینها نقطه‌نظرهای مختلفی است که در مورد یادگیری وجود داشته است. آنچه — دانشمندان روانشناسی در حال حاضر بدان معتقدند، این نیست که معلومات بشری بطور ارثی به انسانهای بعدی منتقل میشود. و این نیست که در واقع ما می‌توانیم هر چیزی را بزور در ذهن انسانها جایگزین کنیم، بلکه معتقد هستیم که انسانها دارای استعدادهایی هستند و عمده مساله این است که فرد مربی و آموزش دهنده بتواند استعدادها و توانائی‌های فرد را کشف کند و وسائل رشد آن توانائی‌ها را فراهم نماید و در همین جاست که مساله آزادی در تعلیم و تربیت مطرح میشود که ببینیم نقش مربی و سازمان‌های آموزشی و پرورشی چه باید باشد. آیا باید تحمیل‌کننده مفاهیم و معلومات و مسائل بر ذهن کودک باشد یا ایجادکننده‌ی امکانات و شرایطی که کودک بتواند براساس استعدادها و توانائی‌هایی که در او وجود دارد رشد بکند. طبیعی است که ما در واقع پیرو راه دوم خواهیم بود یعنی به جایگزینی اجباری مطالب و مفاهیم و تحمیل آنها بر ذهن یادگیرنده معتقد نیستیم بلکه با اعتقاد ما باید شرایط و امکاناتی را بوجود آورد تا بچه‌ها بتوانند در آن شرایط رشد بکنند. اگر ما توانستیم شرایطی را بوجود بیاوریم که کودک آزادانه خودش انتخاب بکند و معلوماتی را که میتواند باعث رشد ذهنش شود بدست آورد، بنابراین ما توانسته‌ایم آزادی در تعلیم و تربیت را تامین بکنیم. پس تعریفی که از آزادی در تعلیم و تربیت در اینجا می‌دهیم این است که شرایط و امکانات و وسائل را فراهم کنیم تا این امکان به کودک داده شود که بر

و محیطش بخواهید اینکار را بکنید، ممکن است که راه صحیح را نیمائید و ممکن است که کانال ارتباطی را درست و مناسب اصلاً نتوانید برقرار کنید. شما در واقع وقتی می‌خواهید موج را دیو را بگیرید آنقدر باید اینور و آنور بکنید تا به مقصود خود برسید یعنی اول موج کوتاه، بلند یا اف. ام یا فلان را انتخاب می‌کنید و آنقدر درجه را می‌پیچانید تا بالاخره برسید بسه آنجائی که بتوانید کانال ارتباطی را برقرار کرده و با آن ایستگاه فرستنده رابطه مطلوب را برقرار کنید. بایک انسان صدها هزار برابر مشکل تراست یعنی شما باید بدانید که سوزه شما دارای چه خصوصیات روحی است. باید بدانید چه مشکلات خانوادگی داشته و دارد چه سابقه‌ی تاریخی و شخصیتی دارد و اصولاً از چه ویژگیهای روانی برخوردار است. تا بتوانید رابطه مناسب و لازم را بین خودتان و او برقرار کنید. چرا یکنفر روانپزشک یا بخصوص یکنفر روانکار می‌تواند بیمار روانی را معالجه کند. او معجزه خاصی را انجام نمیدهد. یک روانکار تمام توانائی و تخصصش در این است که می‌تواند آن ارتباط انسانی لازم و مناسب را با بیمارش برقرار کند. او میتواند در واقع یک کانال ارتباطی بین خودش و بیمارش بسازد و دردها و رنجها و مشکلات روحی که در وجود آن فرد هست شناسائی نماید، تا بتواند بایک کلیک زدن آنها را حل کند.

هر معلم و هر آموزش دهنده باید در جای خودش یک روانکار باشد. بایستی شاگردهای خودش را باتمام وجود درک بکند و بتواند خودش را در قالب وجودی آنها قرار بدهد و تک تک کودکان را به عنوان یک وجود مستقل و نه مشابه دیگری

در نظر بگیرد و آنگاه راه حل مناسبی برای حل مشکلات آنها بدهد و راه آموزشی خاصی را برای آنها انتخاب کند که با شخصیت آنها و توانائی آنها و استعداد های آنها و سابقه‌ی خانوادگی و روانی و زندگی‌شان مناسب باشد. پس مساله تفاوت های فردی یکی از اصولی است که مادر آزادی تعلیم و تربیت باید به آن معتقد باشیم و ما می‌بینیم که در جوامع پیشرفته نسبت به تفاوت های فردی توجه و ملاحظه بیشتری وجود دارد، تا آنجا که حتی در مواردی آموزش بصورتی فردی انجام می‌گیرد یعنی هر دانش آموز بصورت انفرادی با مربی خودش در تماس است و یا در نظامهایی که کامپیوتر استفاده می‌شود از طریق یک برنامه ریزی کامپیوتری یادگیرنده بنا بر توانائیهای پیشین خود آموزش می‌بیند که البته یک نظام ناموفق و نامتناسب با ویژگیهای انسان است و ما نمی‌توانیم از آن دفاع بکنیم ولی می‌خواهم بگویم که گرایش بسوی شیوههایی که بتوان تفاوت های فردی را در آنها مورد نظر داشت شدت یافته است. بنابراین بعنوان یکی از مبانی آزادی یادگیری و آزادی تعلیم و تربیت باید مساله تفاوت های فردی را تحتاً "مورد توجه قرار داد."

مساله دوم انگیزه‌ی یادگیری است که چرا اصولاً بچه‌ها چیز یاد بگیرند و چه انگیزه‌ی باید در کودکان وجود داشته باشد تا حداقل یادگیری انجام بگیرد. بعضی‌ها معتقد بودند که باید از انگیزه ترس از تنبیه استفاده کرد که اگر بچه کارش را نکرد او را تکتک زد. بعضی‌ها معتقد به پاداش هستند که باید انگیزه پاداش را بکار برد. اگر شاگردی کار خوبی کرد باید با او پاداش داد بصورت تشویق نامه، یا نمره‌ی خوب یا ستاره طلائی و عکس و چیزهای دیگر.

آزمایشگاه می‌شنیدند و تحقیق می‌کند. یک طلبه‌ئی را ببینید که در حوزه‌ی علمیه درس می‌خواند . شب و روز می‌افند روی کتاب و مطالعه می‌کند و خلاصه می‌خواهد شیره این کار را بکشد و به بطن مسائل و واقعیتها پی ببرد. او بکارش عشق می‌ورزد ، چرا او این چنین است ؟ و او دارای چه انگیزه‌ئی است ، در واقع او دارای انگیزه‌ی انجام کار بالائی است و میخواهد این کار را به بهترین نحو انجام دهد و همینقدر که خودش یک کاری را به بهترین نحو انجام داد ، آنوقت احساس لذت میکند و این احساس لذت بهترین پاداش برای او است .

وقتی یک دانشمندی پس از ساعتها فکر مشکلی را حل کرد و یا آزمایش را در آزمایشگاه با موفقیت انجام داد و نتیجه گرفت بالاترین شادیها را در وجود خود احساس میکند . یا یک طلبه‌ئی که با مطالعه پیگیر خود مشکل علمی خویش را حل میکند بالاترین لذتها را می‌برد . یا یک فردی که در مبارزات اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کند وقتی که به موفقیت رسید می‌بیند که چه لذتی می‌برد. این لذتها بمراتب از لذت‌های مادی و لذت‌های عادی انگیزاننده تر است . بنابراین اگر ما بتوانیم چنین انگیزه-هائی را در دانش‌آموزان و کودکان بوجود بیاوریم که اینها نه از روی ترس از معلم و نه برای پاداش معلم و نه برای خوش آمدن پدر و مادرشان بلکه برای نفس کار و برای لذتی که از انجام کار می‌برند دنبال یادگیری بروند ، آن موقع است که دانش‌آموز با تمام وجود دنبال یادگیری خواهد رفت . بنابراین در مساله‌ی آزادی تعلیم و تربیت یکی دیگر از مبانی فهم که باید در نظر داشت پیدایش و رشد چنین انگیزه‌ئی در یاد گیرنده می‌باشد .

این پاداشها و این روشها ممکن است در یک مرحله خاصی از رشد کودک بسیار موثر و مفید باشند . بشرحی که بعداً "خواهم داد ولی عمده این است که اینها نمیتواند روش اصلی و نهائی ما در آموزش و پرورش باشد و آن انگیزه‌ئی که میتواند موجب یادگیری و رشد استعدادهای فرد در شکل کامل و متعالی و عمیق آن گردد ، انگیزه‌ی انجام کار است . انگیزه انجام کار در واقع یک مبحث جدیدی است در روانشناسی که تحقیقات وسیعی در باره آن انجام گرفته است و خلاصه امر این است که بعضی از انسانها که به کارشان عشق می‌ورزند و شب و روز دنبال این هستند که پیشرفتی در کارشان حاصل شود ، آنچه برای آنها مطرح است نفس کار و احساس رضایت ایشان از انجام کار می‌باشد و حقوقی که دریافت می‌کنند و یا ترس از مسئولین امر و یا خوش آمدن آنها موجب کارآمدی آنها نشده است بلکه عشق بکار و احساس لذت از انجام کار علت توفیق آنها در کارشان بوده است . کار اینگونه افراد را انگیزه‌ی انجام کار می‌نامند . مثلاً دانشمندی را فرض کنید که شب و روز در





هم و با یاری دادن مربیان بوسیله اولیاء تمام مدارس را به سطح آن مدرسه پرتبلیغ نرسانیم . همه ما واقفیم که امکانات آموزش و پرورش بطور یکسان و مساوی در مدارس توزیع میشود و هیچ مدرسه ای بر دیگری ارجح نیست . اگر فرقی را شما حس میکنید اولیاء با همیاری یکدیگر بوجود آورده اند پس شما چرا همان مدرسه نزدیک منزلتان را تبدیل به مدارس آنچنانی نکنید . پیشنهاد می کنیم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان شرکت کنید ، آستین ها را بالا زده همین مدرسه را چنان بسازید که نه تنها فرزند خودتان بلکه سایر همسایگان نیز از مزایای آن بهره مند گردند .

اگر انجمن اولیاء و مربیان به مسائل مالی و مادی مدرسه رسید و از معلمین دلسوزان خواست وقت بیشتری را در آن مدرسه صرف تعلیم و تربیت دانش آموزان بکنند مسلم نتیجه مطلوبی بی گیرند خاطر هست مدیری تعریف میکرد امسال انجمن اولیاء و مربیان ما تصمیم گرفت در قبال درصد قبولی بیشتر به معلمین مدرسه هدایای ارزنده ای بعنوان یادبود این تلاش و کوشش بدهد آخر سال نتیجه بسیار جالب و چشمگیر بود . راستی چرا همت بخرج نمیدهیم و امثال این ابتکارات را نمی زنیم تا هم معلمین راضی باشند و هم اولیاء . بامید تلاش شما اولیاء و مربیان در بهبود آموزش و پرورش کشور .

بر این گفتار چه شاهد و مدعائی بهتر از سخنان حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران و رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه اول نماز جمعه ۱۵ تیر ماه ۶۳ که در دانشگاه تهران ایراد گردید .

در مورد آموزشهای متوسط ، ابتدائی آنجا دولت موظف است طبق قانون اساسی بطور رایگان همه مردم را تحت تعلیم قرار بدهد و تمام افرادی که در سن تحصیل هستند و اینکار را هم انجام میدهند و بعد از انقلاب بیش از یک میلیون شاگرد اضافه شده و بعد از انقلاب بیش از دهها هزار مدرسه تا بحال ساخته اند و هر سال چند هزار مدرسه میسازند و با همه امکانات سالی بیش از ۱۵ تا ۲۰ هزار معلم تربیت میکنند اما ملت بدانید این نیاز و عقب ماندگی از زمان شاه بقدری زیاد است که دولت هر چه هم تلاش کند باز هم فضای آموزشی کافی برای مدارس مادر سطح لازم نمیتواند تامین کند و این یک کار مشکلی است .

یادتان است در زمان شاه آنموقعی که مصالح ساختمانی زیاد بود و کارگر زیاد بود ، بنا زیاد بود و امکانات فراوانی از فروش شش میلیون بشکه نفت وجود داشت و اینها آمدند برای اینکه جشنهای دوهزار و پانصدساله شان از دوسال پیش برنامه ریزی کردند که دوهزار و پانصد مدرسه بسازند آنهم بیشتر افراد و

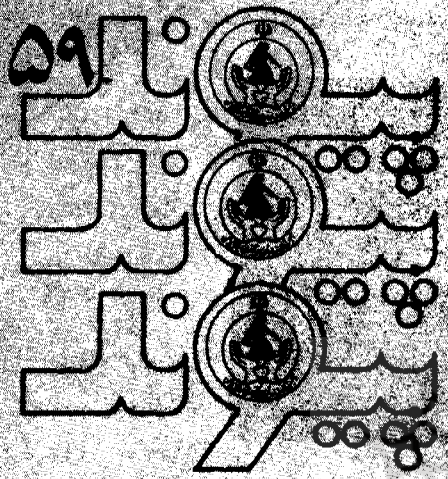


شخصیتها را اودار کرد که بسازند و آخرهم مردم آن دروغ بوده، دوهزار ویانصد مدرسه آن ماکزیمف کارشان بود درحالیکه هر سال چند هزار مدرسه را همین مردم مادرگوشه و کنار میسازند ولی بازهم تابرسیم به سطح لازم طول میکشد.

المبینه تحصیل مجانی است اما این مساله معنایش این نیست که مردم اگرخواستند خدمتی بکنند برای درس خواندن و مدرسه ملانح آنها خواهیم شد. اولیاء بچه ها درانجمنهای اولیاء و مربیان و بچه ها که رابط مدرسه ها و خانه ها هستند یکی از کارهای مهمی که شما میتوانید انجام بدهید اینستکه افرادیکه متمکن هستند بگوئید کمک کنند، اجبارشان نکنید اما بچه هایشان که دارند درمدارس خوب درس میخوانند و مایلند که خدمت کنند کمک کنند مدارس را توسعه بدهند، مدارس را تعمیر بکنند، این مدارس خلیبهایش مناسب با تحصیل نیست یک بچه دریک اطاق کوچک حبس بشود و درس بخواند و بعد هم در این خیابان شلوغ بسا اتوبوس برود خانه این درست نیست بهتر این است که فضا داشته باشند و بتوانند ورزش بکنند بتوانند امکانات جنبی داشته باشند، کتابخانه داشته باشند، تئاتر داشته باشند، فیلم داشته باشند، اسلاید داشته باشند و این انجمنهای اولیاء و مربیان باید این کارها را بکنند و کسانی پیدانشوند که بگویند که چرا آموزش و پرورش پول میگیرد بلکه باید پول بگیرد. اجباری نه بانام نویسی نه این مجانی است اما اگر افرادی بخواهند خدمت کنند بهترین جاها این است و بهترین زکاتها و صدقات و تبرئات را میتوانید در راه توسعه و تعلیم و تربیت بدهید که انشاء الله این کمک را خواهید کرد.

۶۳

# شهرپور



نشانی: شهرپور ماهستانه

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران  
 نشانی: تهران خیابان انقلاب - روی بروی  
 دانشگاه تهران - خیابان فخرآزای - پلاک  
 ۷۶-۷۴ تلفن: ۶۴۲۶۲۱ و ۶۴۷۱۱۶

طرح و تنظیم: هوشنگ موفقی اردستانی  
 بهای تک شماره ۴۰ ریال - آئونه سالانه ۴۰۰ ریال  
 تقاضایان می توانند وجه آئونه را از طریق  
 هر یک از شعب بانک صادرات در تمام نقاط کشور  
 به حساب جاری ۸۵۴ به نام انجمن اولیاء و  
 مربیان ایران بانک صادرات شعبه فلسطین  
 سزوار واربر نمایند و پیش آنرا به دفتر مجله  
 صندوق پستی شماره ۳۱/۱۲۸۸ ارسال  
 فرمایند.